

زیستن پشت دیوارهای آجری...

در حاشیه شهر، جایی که دود سیاه کوره‌ها آسمان را می‌خراشد، خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که آجر نان شبشان است. اینجا «کوره آجریزی» فقط محل کار نیست، خانه است؛ مکان بازی کودکان، آشپزخانه مادران و پناهگاه مردان خسته از گرمای آتش که روزگارشان به سختی می‌گذرد. کارگران در دل آجرها، بی‌قرارداد و بی‌امنیت، بدون بیمه، روزگار می‌گذرانند و کودکان، با پایهای برهنه، میان خاک و آجر بازی می‌کنند، بی‌آن که بدانند چه آینده‌ای را انتظار می‌کشند و زندگی برایشان چه سرنوشتی پیش رو دارد. این تصاویر، تنها گوشه‌ای از واقعیتی ست که در پس دیوارهای بلند کارخانه‌های آجریزی پنهان مانده‌اند؛ جایی که زندگی با تمام تلخی‌هایش هنوز لبخندهای کوچک کودکی را کمرنگ نکرده است. این مجموعه عکس، دعوتی است به تماشا و تأمل؛ درباره آنان که زیر آسمان داغ کوره‌ها، فراموش شده‌اند.



▲ کارگرانی که هر روز در زیر آفتاب سوزان مشغول به کارند



▲ کودکانی که زندگی برایشان تنها در بازی‌های کودکانه تعریف می‌شود، مشغول بازی هستند

▼ زنان لباس‌های شسته شده را در محوطه‌ای که از یک سمت به اتاق‌های کوچک و از سمتی دیگر به کوره‌ها منتهی می‌شود، روی طناب پهن می‌کنند



▲ مردانی که در کوره‌پزخانه‌های گرم، هر روز آجرها را برای خشک شدن روی هم می‌چینند و دیوارهایی آجری پدید می‌آورند

► کودکی که یک کوله پشتی از فردی خیر هدیه گرفته و با ذوق به آن هدیه نگاه می‌کند



◀ و این دورنمای مکانی است بیرون از شهر که مردان و زنانی به همراه کودکانشان زندگی را جوری دیگر سپری می‌کنند



▲ خانواده‌ای چهار نفره با وجود سختی‌های زندگی و رویارویی با فقری که جز بی‌جدایی ناپذیر از زندگی‌شان است در کنار هم می‌ایستند به دوربین لبخند می‌زنند